

تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر ابعاد عرفی شدن دین
(مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه یزد)

مهربان پارسامهر*، یاسین خرم‌پور**، حسام کرایبی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴)

چکیده:

عرفی شدن باعث شده که نقش دین و کارکردهای آن در زمینه اجتماعی و فردی فرو ریزد. مدرنیته و مؤلفه‌های آن (جهانی شدن، فردگرایی، علم‌گرایی) فرآیند عرفی شدن را شدت بخشیدند. این تحقیق به روش پیمایش به بررسی تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر ابعاد عرفی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه یزد پرداخته است. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای و برای سنجش متغیرها از پرسش‌نامه محقق استفاده شد. بر اساس نتایج تحقیق، بین مؤلفه‌های مدرنیته (فردگرایی و جهانی شدن و علم‌گرایی) و عرفی شدن دانشجویان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد ($P < 0/001$). مدل معادلات ساختاری نشان داد که میزان تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر عرفی شدن دانشجویان، ۰/۴۷ است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم این دو متغیر می‌باشد. به طور کلی یافته‌های تحقیق نشان دادند که مدرنیته و عناصر آن نقش اساسی در گسترش فرآیند عرفی شدن داشته است، به صورتی که در اقشار جوان و دانشجو، به علت تغییرات نسلی، پذیرش عناصر عرفی شدن و مدرنیته برای آنها آسان‌تر می‌باشد.

واژگان کلیدی: عرفی شدن، علم‌گرایی، جهانی شدن فرهنگی، فردگرایی، یزد.

parsamehr@yazd.ac.ir

*. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

khorampouryasini@gmail.com

** دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

he.koraei@gmail.com

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی دانشگاه یزد

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹: ۵۴-۷۹

مقدمه و بیان مسئله

دین یکی از نهادهای مهم انسانی است که قدمت آن به نوع بشر برمی‌گردد و در طول تاریخ تغییر و تحولات زیادی را تجربه کرد. دگرگونی سریع در نهاد دین بخصوص بعد از رنسانس و صنعتی شدن باعث تغییرات کارکردی و نهادی در نهاد دین شده است. از تغییرات اساسی و مهمی که در این نهاد به وجود آمد پدیده عرفی شدن می‌باشد (شجاعی زند، ۱۳۸۵: ۱۲). نخستین کسی که اصطلاح عرفی شدن^۱ را به کار برد، ماکس وبر^۲ بود (فذرستون و سارل^۳، ۲۰۰۷: ۷۹). عرفی شدن به صورت عام فرایندی است که در حوزه اجتماع نقش و پایگاه دین در نزد کنش‌گران و افراد متزلزل می‌شود و جهان‌بینی دنیوی جایگزین ارزش‌های دینی می‌شود (همیلتون، ۱۳۸۷: ۳۰۲). اندیشمندان مهم‌ترین مؤلفه‌های این پدیده را شامل افول دین در حیطه اجتماعی و حتی شخصی، همراه شدن افراد با ارزش‌های دنیوی، رهایی جامعه از قید دین و گزاره‌های دینی و مناسکی آن، جابه‌جایی در باورها و نهادهای بشری، تقدس‌زدایی از عالم، و روگردانی ارزشی جامعه از اصول مقدس و ورود جوامع به ارزش‌های سکولار، می‌دانند (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

در تحلیل وبر عرفی شدن به معنای غلبه و حاکمیت عقلانیت هدفمند به جای عقلانیت ارزشی است و مدرنیته چیزی جز غلبه و حاکمیت عقلانیت هدفمند و صورت‌های گوناگون آن نیست. بنابراین عرفی شدن مستلزم این است که دین به عنوان صورتی از عقلانیت ارزشی به کنار رود و عرصه را به عقلانیت هدفمند و صورت‌های گوناگون آن واگذار نماید (یزدانی مقدم، ۱۳۸۴). نظریه‌پردازان این پدیده را در سطوح مختلف و متعددی بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیدند که این پدیده باعث می‌شود بسیاری از بخش‌های جامعه خود را از زیر سلطه و هژمونی مناسک و آموزه‌ها و نهادهای دینی خارج کنند.

این فرآیند جدید با توجه به تغییر و دگرگونی ارزش‌های انسان و جامعه غربی به وجود آمد و در جوامع آنها تا حدودی نهادینه شد که در نهایت باعث تفکیک حوزه دین از حوزه اجتماعی گردید. دین در بسیاری از جوامع غربی دیگر تنظیم‌کننده کنش‌های افراد نیست بلکه ارزش‌های نوین و جدید توانستند جایگزین دین شوند. این تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها در فرهنگ غرب پذیرفته شده و به جزئی از زندگی روزمره آنها تبدیل شده است. عام‌گرایان فرهنگی این

^۱ secularization

^۲ Maximilian Karl Emil Weber

^۳ Featherstone & Sorrell

پدیده را در قالب رشد فزاینده تعاملات فرهنگی فراملی که منجر به شکل‌گیری فرهنگ جهانی عرفی شد، بررسی کردند (گیدنز، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر ارزش‌های عرفی و یا غیر عرفی به مانند سایر ارزش‌ها و نمادهای جامعه، از خلال تعاملات میان کنش‌گران اجتماعی، فراگرفته و درونی و به دیگران منتقل می‌شود (همیلتون، ۱۳۸۷: ۳۷۰). گسترش شتاب‌آلود تعاملات جهانی باعث شده است که پدیده‌های اجتماعی، علاوه بر اینکه تحت تأثیر عوامل ملی و محلی قرار بگیرند، مناسبات و فرآیندهای جهانی نیز بر آنها تأثیرگذار باشد و به پدیده‌ای عام و جهانگیر بدل شوند. جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و عرفی شدن به طرق مختلف در جامعه رسوخ کرده است. عرفی شدن در جامعه‌ای مانند ایران که ارزش‌های سنتی حاکم می‌باشد، ممکن است باعث ایجاد تضاد بین ارزش‌های جدید و ارزش‌های نهادینه‌شده قبلی شود. فرد در وضعیتی آنومیک^۱ قرار خواهد گرفت و علاوه بر کشمکش بین ارزش‌های جدید و قدیم، در انتخاب بین دو ارزش فوق نمی‌تواند تصمیم‌گیری کند و لذا از لحاظ ذهنی دچار نوعی بی‌هنجاری اجتماعی خواهد شد. علاوه بر این در وضعیت عرفی شدن گزاره‌های دین مورد انتقاد و بازاندیشی قرار می‌گیرند و این امر با توجه به ساختارهای سیاسی و فرهنگی که سعی دارند تمام حوزه‌های اجتماع را زیر چتر دین قرار دهند با نوعی واکنش رسمی و غیر رسمی از طرف جامعه مواجه خواهد شد که پدیده‌هایی مانند جهانی شدن نیز این فرآیند را تقویت می‌کنند. با توجه به فرآیند جهانی شدن و اجتناب‌ناپذیر بودن آن، کشورها تا حدودی این وضعیت را در بخش‌های مختلف خود جذب می‌کنند که این امر باعث گسترش فرایند عرفی شدن و کمرنگ شدن نقش دین می‌شود. در تحقیق پویافر و نوابخش (۱۳۸۹) این تغییر ارزش‌ها و دگرگونی‌ها به‌خصوص نشانه‌های تجربی پدیده عرفی شدن در ایران مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش فوق نشان داد که برخی از مؤلفه‌های عرفی شدن در جامعه شبه مدرن و سنتی ایران رسوخ کرده است که خود منجر به نوعی دوگانگی ارزشی بین ایرانیان شده است.

این شواهد نشان می‌دهد که پدیده عرفی شدن در ایران، در بین برخی اقشار جامعه رسوخ کرده است، اما آنچه این مسئله را جدی‌تر می‌کند فراگیر بودن آن در همه سطوح و در بین همه اقشار جامعه است. در جامعه‌ای که هنوز بسیاری از برداشت‌های سنتی حاکم است و دین و گزاره‌های دینی بر بسیاری از کنش‌های فردی و اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد، این تغییر ارزش‌ها و عام شدن این پدیده در جامعه مذهبی ایران جای سؤال را باز گذاشته است که علت این وضعیت چیست!

^۱ anomic

دانشگاه نهادی مدرن است که زمینه مناسبی برای تعاملات مختلف و مکانی برای نگرش‌های جدید است. این امر در کنار تأثیرگذاری دانشگاه بر حوزه عمومی، ممکن است وضعیت عرفی شدن را در بین قشر علمی و فرهنگی کشور (دانشجو) به امری مهم تبدیل کند. یکی از افشاری که نسبت به حضور دین و مؤلفه‌های آن در جامعه نگاه انتقادی دارند، قشر دانشجو و دانشگاهیان می‌باشند، و بسیاری بر این نظرند که چون این قشر بیشتر تحت تأثیر رسانه‌ها و عناصر جهانی شدن قرار دارند زمینه عرفی شدن در بین آنها بیشتر می‌باشد لذا با توجه به بازاندیشی‌های انتقادی و کسب اطلاعات و آگاهی‌های جدید برخی دانشجویان شیوه جهان‌بینی آنها با ارزش‌های رسمی جامعه مغایرت پیدا می‌کند. زیرا ارزش‌های رسمی اجتماع ترویج‌دهنده مؤلفه‌های دینی می‌باشند. در نتیجه ضرورت دارد میانگین این مغایرت‌ها که به نوعی با عرفی شدن همپوشانی دارد مورد بررسی بیشتر قرار بگیرد.

شهر یزد از قدیم به عنوان «دارالعباده» مشهور بود و از جمله شهرهای سنتی و مذهبی در کشور ما قلمداد می‌شود. انتظار می‌رود که فضای دانشگاه این شهر با بافت فرهنگی و اجتماعی آن همخوانی داشته باشد. تحقیقات انجام‌شده در زمینه دینداری نشان داد میزان دینداری دانشجویان این دانشگاه متوسط می‌باشد. این، خود، با ارزش‌های فرهنگی شهر یزد همخوانی ندارد و به نوعی مروج‌گرایی از عرفی شدن می‌باشد. لذا ضرورت دارد با توجه به پیشینه مذهبی و سنتی این شهر، دانشگاه آن از لحاظ پدیده عرفی شدن مورد واکاوی قرار گیرد. بر این اساس، این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر ابعاد عرفی شدن در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) دانشگاه یزد می‌باشد.

تحقیقات پیشین

مرور پیشینه تجربی تحقیقات در زمینه مؤلفه‌های مدرنیته و عرفی شدن، زمینه‌ای برای پژوهش حاضر فراهم می‌آورد، و پلی بین پژوهش‌های قبل عرفی شدن و وضعیت فعلی آن برقرار می‌کند.

پویافر و داوری مقدم (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که بین گرایش به سبک زندگی مدرن در ابعاد گوناگون، با گرایش‌های عرفی در افراد، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. چنین رابطه‌ای، به‌ویژه در ابعاد عینی‌تر عرفی شدن، شدت بیشتری داشت. در تحقیق هاشمیان‌فر و هاشمی (۱۳۹۲) با عنوان بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان (با تأکید بر نظریه عرفی شدن)، نتایج حاصل از آزمون

چندمتغیره نشان داد که متغیرهای مستقل ۳۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند که بر اساس اولویت عبارتند از تغایر^۱ نقش‌ها، فردگرایی، و تغییر ارزش‌ها. بهشتی و قاسمی (۱۳۹۲) در تحقیق به این نتایج دست یافتند که سطح دینداری در ایران به‌ویژه در زمینه اعتقادات بالا می‌باشد. سطح پابندی به مناسک دینی نیز در کشور بالاست. با توجه به عدم تفکیک رشته‌های علمی شاهد تأثیر اندک تحصیلات عالی در روند عرفی شدن جامعه هستیم. در مجموع نتایج این تحقیق مؤید گستره و عمومیت نفوذ دین در جامعه ایران است به صورتی که نمی‌توان ادعایی را در خصوص عرفی شدن جامعه ایران پذیرفت. شجاعی زند و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق به این نتایج دست یافتند که جهانی شدن فرهنگی رابطه مستقیم و مثبتی با عرفی شدن مردم جهان دارد. یافته‌های دیگر مطالعه حاکی از آن بود که جهانی شدن فرهنگی در کشورهای اسلامی اثری غیر عرفی‌کننده و در کشورهای غیر اسلامی اثری عرفی‌ساز از خود نشان می‌دهد. همچنین مشخص گردید که جهانی شدن فرهنگی در کشورهایی که از نظر قومی متنوع می‌باشند، به نسبت کشورهایی که از نظر قومی همگون هستند، اثر عرفی‌کننده بیشتری دارد. اندرسون^۲ (۲۰۱۰) در تحقیق خود با عنوان عرفی شدن در ایرلند به این نتایج دست یافت که در هویت دینی و معنوی جوانان کاتولیک ایرلندی نوعی دگرگونی در جهان‌بینی آنها به وجود آمده است. همچنین نتایج نشان داد که جوانان ایرلندی به خودمختاری در امر دینداری بیشتر تمایل دارند - امری که خلاف آموزه‌های مذهب کاتولیک می‌باشد. اکلوند و همکاران^۳ (۲۰۰۸) در تحقیق خود به بررسی تأثیر علم بر عرفی شدن پرداخته‌اند. خانم دکتر اکلوند استاد جامعه‌شناسی دانشگاه رایس^۴ و همکارانش در پژوهش خود میزان دینداری دانشمندان علوم طبیعی و علوم اجتماعی را با هم مقایسه کردند. نتایج نشان داد کاهش در میزان دینداری این دو گروه دانشمندان با تغییرات در سبک‌های دینداری آنها همراه بوده است. چوکور و همکاران^۵ (۲۰۰۴) در تحقیق خود با عنوان رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با نظام ارزشی فرد و مذهبی بودن در سه کشور ترکیه، آمریکا و فلیپین به این نتایج دست یافتند که دیندار بودن پاسخگویان، به عنوان یک عامل اجتماعی - فرهنگی معنادار، که در پیش‌بینی

اختلاف

2 . Karen Anderson

3. Ecklund et all.

4. Rice University

5. Cukur et all.

تفاوت های فردی در رفتار و همچنین در شخصیت موثر است، شناخته شد. آقای چوکور [چوقور]^۱ استاد دانشگاه در کشور ترکیه است.

چارچوب نظری پژوهش

نظام سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی باعث حاکمیت بوروکراسی، بسط فناوری‌های مدرن، رشد سریع شهرها، و همچنین تشکیل دولت - ملت‌های جدید شد. مجموعه این عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی عصر ویژه‌ای را شکل داد که متفکران آن را «مدرنیته» (فرانسوی) / «تجدد» (فارسی) نامگذاری کردند. با گسترش این تحولات، بستر فرهنگی و ایدئولوژیکی فراهم شد که می‌توان آن را به عنوان مدرنیته یا مدرنیسم نام برد. در طول زمان، مدرنیته در جوامع غربی، به نظام نمادین یکسره تازه‌ای از زندگی هر روزه یعنی شیوه‌هایی از زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تبدیل شد که رویکردهای مدرن فکری و فرهنگی را نیز به همراه داشته است. ویلیام کولی^۲ ویژگی‌هایی را برای مدرنیته بیان می‌کند که عبارتند از: مدرنیته خود را در تقابل با دوره‌های قبل تعریف می‌کند که دموکراتیک نیستند، عقلانی نیستند، تاریک‌تر هستند، مدنیتی ندارند، و همچنین از لحاظ فنی توسعه‌یافته نیستند (اسپنسر و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۹). این تعریف تقریباً کلیه ویژگی‌های جامعه مدرن را در بر می‌گیرد. به طور کلی می‌توان عناصر مدرنیته را به چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی تقسیم کنیم.

فردگرایی و آزادی‌خواهی از ابعاد اجتماعی مدرنیته می‌باشند. افراد در دوران مدرن تمایل دارند که در حیطه‌های مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی تعیین‌کننده انتخاب‌های خود باشند و چارچوب‌های سنتی برای آنها تکلیف مشخص نکرده باشد (هابهاوس^۳، ۲۰۰۵). در دوران مدرن شخصیت اجتماعی افراد، خودمختار و مستقل است، در صورتی که طبق نظر ریسمن شخصیت اجتماعی انسان‌های دوران پیشامدرن، شخصیتی سنت‌گرا و وابسته بود (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

بعد فرهنگی مدرنیته سه عنصر انتقادگری (داشتن روحیه انتقادگری و انتقادپذیری در زمینه مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی)، عرفی شدن باورها (کاهش تعصبات مذهبی و نشان دادن تسامح بیشتر نسبت به ادیان مختلف، توجه به کمال انسانیت افراد صرف نظر از نوع عقاید مذهبی آنها، تقدس‌زدایی از امور مختلف و تکثرگرایی در عقاید مذهبی)، و علم‌گرایی (گسترش

^۱ Cem Şafak Çukur

^۲ William Cowley

^۳ Hobhouse

علوم جدید و جایگزینی بینش علمی به جای بینش‌های مبتنی بر عقاید خرافی و اسطوره‌های سنتی) را در بر می‌گیرد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸).

مهم‌ترین نظریه‌پردازان اصلی جامعه‌شناسی مانند وبر و مارکس^۱ و دورکیم^۲ نظریات خود را بر این امر بنا کردند که با گسترش نهادها و سازمان‌های مدرن، اعتقادات دینی تغییر می‌کند و ورود جوامع به دوره صنعتی باعث کاهش نقش دین در همه حوزه‌های جامعه خواهد شد (پیپا^۳، ۱۳۸۷: ۱۷).

ادعای مطرح‌شده در نظریه عرفی شدن یعنی در صورت پیدایش عقلانیت علمی و شناخت تجربی، تأثیر نهاد دین در همه عرصه‌های حیات اجتماعی - از زندگی فردی تا نهادهای اجتماعی - با زوال مواجه خواهد شد. یعنی با ظهور مدرنیسم و مؤلفه‌های آن، پایگاه اصلی دین دچار اضمحلال می‌شود (کنعان و همکاران^۴، ۲۰۰۴: ۱۷).

وبر به صورت مفصل بحث عرفی شدن را در بین جامعه‌شناسان کلاسیک مورد بررسی قرار داده است.

وبر بر تأثیر علم‌گرایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی مدرنیته و نقش آن در گسترش فرآیند عرفی شدن تأکید کرده است. وی معتقد است که عقلانیت مدرن همه چیز را برای کنش‌گران قابل محاسبه کرده است و تمام ابعاد زندگی انسان را تحت سلطه قرار می‌دهد و این نوع عقلانیت با جها بینی وحدانی و نظام ارزشی دینی ناسازگار می‌باشد. او مدرنیزاسیون را فرایند عقلانی شدن زندگی انسان در کل حیطه‌ها و افسون‌زدایی روزافزون از هستی تعریف کرد (تامسون، ۱۳۸۱: ۳۸).

پیتر برگر^۵ سکولاریزاسیون (عرفی شدن) را فرآیندی می‌داند که نه تنها به عرفی شدن نهادهای اجتماعی و اقتصادی، بلکه به عرفی شدن خود نهاد دین نیز منجر خواهد شد. برگر در نظریه خود معتقد است که طی فرآیند عرفی شدن قسمت‌های مهمی از نهادهای جامعه و فرهنگ از سلطه نمادها و مناسک و به طور کلی از سلطه نهاد دین خارج می‌شود (هاشمیان‌فر، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

برگر عرفی شدن دین را هم در سطح اجتماعی - ساختاری (عرفی شدن عینی) و هم در سطح فردی - ذهنی (عرفی شدن ذهنی) تقسیم می‌کند. به نظر برگر، عرفی شدن نه تنها باعث

^۱ Karl Heinrich Marx

^۲ David Émile Durkheim

^۳ Norris Pippa

^۴ Cnaan et al.

^۵ Peter Ludwig Berger

می‌شود که دین از حوزه اجتماع خارج شود بلکه با کاهش مقبولیت تعاریف دینی از واقعیت، اجتماع با عرفی شدن ذهنی نیز مواجه می‌شود. برگر عرفی شدن ذهنی را به فرایندی اطلاق می‌کند که در آن، جامعه‌پذیری در زندگی روزمره بدون بهره‌گیری از تفسیرهای دینی، ذهن افراد را شکل می‌دهد (برگر^۱، ۱۹۶۷: ۱۰۸).

بر این اساس، نهاد دانشگاه که کارویژه مستقیم تولید علم و فناوری را بر عهده دارد طبق نظر اندیشمندان یکی از حامل‌های اصلی عناصر مدرنیته می‌باشد که باعث رشد مؤلفه‌های مدرن در سطوح متفاوت جامعه و به‌خصوص در بین قشر جوان شده است. نظریات تئوری‌پردازان و تحقیقات پیشین نیز مؤید این یافته است که افزایش سطح تحصیلات افراد در دانشگاه‌ها ممکن است با افزایش آگاهی در بین آنها، روند عرفی شدن را افزایش دهد. علاوه بر این در سه دهه اخیر، با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و همچنین افزایش شناخت افراد از فرهنگ‌ها و ادیان دیگر، نوعی تسامح و مدارای دینی را در جامعه ایران شاهد بوده‌ایم، که این امر خود به نوعی مروج عرفی شدن دین در بین جوانان و دانشگاهیان شده است.

جهانی شدن فرهنگی که تمام مرزهای زمانی و مکانی را درنوردید، در ذات خود نوعی مادی شدن امور معنوی و همچنین تقدس‌زدایی از مناسک و امور دینی بود. رشد تعاملات فراملی در دوره جدید و تحت تأثیر رسانه‌ها، بسترهای زیادی را برای کنش‌گران فراهم کرده، که از طریق این زمینه‌ها، کنش‌گران، شیوه‌های زندگی و ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری متفاوت را یاد می‌گیرند و بر اساس این تغییرات به بازاندیشی در هویت دینی و معنوی خود می‌پردازند. علاوه بر این طبق نظر بسیاری از اندیشمندان جامعه‌شناسی مانند وبر، علم و جهان‌بینی علمی، متغیر تأثیرگذار بر فرآیند دین‌زدایی و همچنین عرفی شدن جوامع می‌باشد. علم تجربی جدید که بر شواهد و یافته‌های مشاهده‌پذیر تأکید دارد، گزاره‌های دینی را که نمی‌توان به صورت تجربی مورد آزمون قرار داد، رد می‌کند. از نگاه پوزیتیویسم حاکم بر شناخت علمی، مقوله دین و مؤلفه‌های آن در حوزه ایمان و وحی قرار دارند، و چون این حوزه را نمی‌توان مورد بررسی و آزمایش قرار داد لذا این گزاره‌ها جایی در علم ندارند. چنین گزاره‌هایی در تقسیم‌بندی‌های معرفت‌شناختی در حوزه اخلاقیات قرار می‌گیرند و مشمول قضاوت‌های علمی قرار نمی‌گیرند.

وبر و سایر اندیشمندان کلاسیک علوم انسانی، نهاد علم و نهاد دین را به‌وضوح از یکدیگر تفکیک می‌کردند و برای علم در سامانه گفتمانی و نهادی مدرنیته نقش محوری قائل بودند.

دورکیم نیز در ذیل مبحث تقسیم کار و پیدایش نوع اجتماعی مدرن، ابتدا تقسیم کار در حوزه معرفت را به عنوان اصل راهنما ارائه می‌کند.

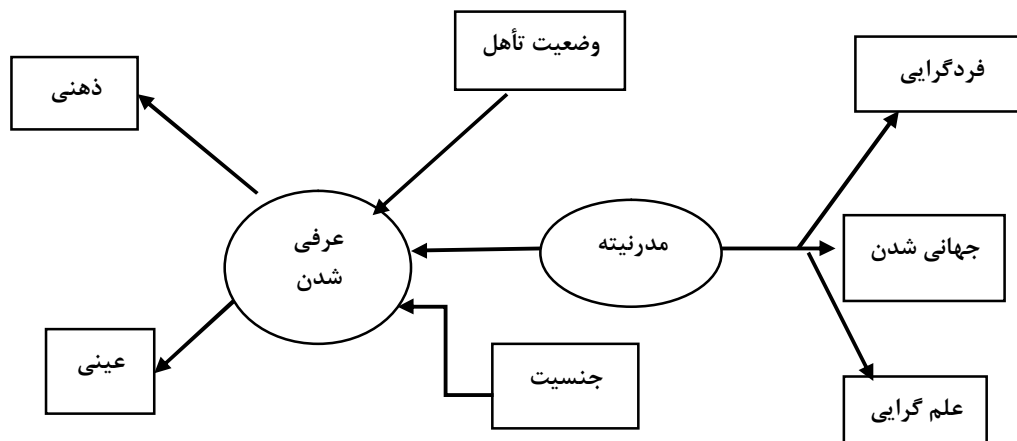
در دوران جدید معارف بشری روز به روز تخصصی‌تر و جزئی‌تر و در عین حال دقیق‌تر می‌شوند که این امر امکانات بیشتری را در اختیار بشر برای تسلط بیشتر بر امور طبیعی و انسانی قرار می‌دهد. همچنین اخلاق‌زدایی دورکیم و پیشینیان‌ش از علم، زمینه عرفی شدن معرفت-شناختی (ذهنی) جوامع جدید را فراهم کرد به گونه‌ای که ساحت علم، ساحتی چون و چرا پذیر و قابل شک و ابطال‌پذیر شد. بر خلاف معرفت غیر تجربی که همیشه با گونه‌ای از تقدس همراه بود. نمونه آن را می‌توان در هیئت بطلمیوسی مشاهده کرد که هر گونه انکار و شکی را در مورد مدعیات آن، به منزله عداوت با خدا و کلیسا تفسیر می‌کرد.

فردگرایی از مؤلفه‌های کلیدی دوران مدرن بود که در تضاد با جمع‌گرایی دوران سنت می‌باشد. دورکیم فردگرایی را به عنوان پدیده‌ای که محصول تقسیم کار اجتماعی در جوامع جدید است تعریف می‌کند و آن را از متغیرهای اساسی در تضعیف وجدان جمعی جوامع مدرن معرفی کرد. فردگرایی بیانگر^۱ همان فردگرایی اخلاقی است، که دورکیم در نوشته‌های خود از آن به عنوان یکی از پدیده‌های مطلوب جهان جدید یاد می‌کند. فردگرایی اخلاقی در نتیجه کاهش دایره نفوذ وجدان جمعی (به عنوان پدیده‌ای دینی اخلاقی) تبدیل به خصلتی مقبول و فراگیر در جامعه جدید می‌شود. ترنر^۲ نیز اعتقاد دارد فردگرایی دارای دو ریشه متفاوت است که یکی از آنها به بدبینی ریاضت‌گرایانه کالوینیستی^۳ اشاره دارد و دیگری نیز به خوش‌بینی عقل‌گرایانه روشنگری تأکید می‌کند. به طور کلی ترنر اعتقاد دارد که فردگرایی بیش از دین، با عرفی شدن سازگار است (ترنر، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

^۱ expressive individualism

^۲ Bryan Stanley Turner

^۳ Calvinistic (John Calvin)



شکل ۱- مدل پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- بین مدرنیته و عرفی شدن دانشجویان رابطه وجود دارد.
 - بین علم‌گرایی و عرفی شدن ذهنی و عینی (ساختاری) رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین فردگرایی و عرفی شدن ذهنی و عینی (ساختاری) رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین جهانی شدن فرهنگی و عرفی شدن ذهنی و عینی (ساختاری) رابطه معنادار وجود دارد.
- دارد.
- بین زنان و مردان از نظر میزان عرفی شدن عینی و ذهنی تفاوت وجود دارد.
 - بین افراد متأهل و مجرد از نظر میزان عرفی شدن ذهنی و عینی تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی است، تا توصیف و تبیین داده‌های جمع‌آوری‌شده در خصوص ارتباط بین مؤلفه‌های مدرنیته و عرفی شدن بر مبنای آن انجام پذیرد. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) دانشگاه یزد، که طبق آمار دانشگاه در سال ۱۳۹۸ تعداد آنها برابر با ۴۲۵۰ دانشجوی

دختر و پسر بود. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران [کاکرن]^۱، حجم نمونه آماری این تحقیق، ۳۸۰ دانشجوی به دست آمد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته، و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای می‌باشد. طبقات در این تحقیق بر حسب رشته و مقطع تحصیلی و جنس انتخاب شدند. برای این کار، اطلاعات از آموزش هر دانشکده اخذ شد، و متناسب با سهم^۲ رشته تحصیلی (فنی مهندسی، علوم پایه، و علوم انسانی) و مقطع تحصیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) و جنسیت (زن و مرد)، در جامعه آماری که ۴۲۵۰ نفر بودند، در نمونه سهم هر گروه مشخص شد. سپس نمونه‌ها به صورت تصادفی از هر پردیس (علوم انسانی، علوم پایه، و فنی مهندسی) انتخاب شدند. برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه، ابتدا ۳۰ پرسشنامه را بین نمونه آماری (دانشجویان تحصیلات تکمیلی) توزیع کردیم، و با آزمون آلفای کرونباخ^۳، پایایی پرسشنامه سنجیده شد. همچنین برای بررسی اعتبار تحقیق، از روش اعتبار صوری استفاده شد. منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان امر در مورد یک شاخص می‌باشد. لذا برای این کار با مراجعه به استادان راهنما و حذف برخی از گویه‌ها، اعتبار مقیاس را افزایش دادیم.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ متغیرها و تعداد گویه‌های هر متغیر

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
عرفی شدن ذهنی	۸	۰/۸۹
عرفی شدن عینی (ساختاری)	۸	۰/۹۱
جهانی شدن فرهنگی	۸	۰/۷۸
علم‌گرایی	۵	۰/۷۹
فردگرایی	۸	۰/۷۸

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۰۷ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی درونی بالا بین گویه‌های تحقیق است.

^۱ Cochran

^۲ واژه سهم به تنهایی نمی‌تواند بر نمونه‌گیری سهمیه‌ای دلالت کند. با توجه به این که همه دانشجویان احتمال یکسانی برای انتخاب شدن به عنوان نمونه آماری داشتند، نوع نمونه‌گیری تصادفی، و از آن جهت که دانشگاه به عنوان یک واحد از بخش‌ها و طبقات (رشته و مقطع تحصیلی و جنس) مختلفی تشکیل شده است و در نمونه‌گیری هر یک از این بخش‌ها به حساب آورده شده است، نوع نمونه‌گیری طبقه‌ای می‌باشد.

^۳ Cronbach

در قسمت بعدی تحقیق به بررسی مفاهیم نظری و عملیاتی تحقیق پرداخته می‌شود. **عرفی شدن:** فرآیندی است که طی آن اهمیت دین نزد افراد در حوزه‌های اجتماعی و ذهنی کاهش پیدا می‌کند. برگر بر این باور است که عرفی شدن در دو سطح ساختاری (عینی) و فردی (ذهنی) اتفاق می‌افتد. به بیان برگر، عرفی شدن ذهنی به این معنی است که «هر روز شمار بیشتری از انسان‌ها به گونه‌ای پرورش می‌یابند که در جهان و زندگی روزمره بدون بهره‌گیری از تفسیرهای دینی گذر می‌کنند» (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۸). همچنین به نظر وی، منظور از عرفی شدن عینی، خروج دین از حوزه اجتماع و کاهش نفوذ اجتماعی دین در سایر نهادها، از جمله اقتصاد و دولت و آموزش می‌باشد.

برای عملیاتی کردن بُعد عینی عرفی شدن، سؤالاتی درباره نگرش پاسخگویان به کاهش نقش گزاره‌های دینی در مسائل اجتماعی و سیاسی مطرح شد. برای عملیاتی کردن بُعد ذهنی، گویه‌هایی درباره ذهنیت و نگرش‌های ایمانی فرد نسبت به وجود خدا و مناسک دینی و همچنین در نظر گرفتن خدا برای بسیاری از کارها در نظر فرد، طرح‌ریزی شد.

برای هر کدام از ابعاد عرفی شدن (ذهنی و عینی) ۸ سؤال در قالب طیف لیکرت^۱ (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) طرح شد، که از مجموع گویه‌ها، متغیری فاصله‌ای به دست می‌آید. پرسشنامه این متغیر، محقق‌ساخته بود.

جهانی شدن فرهنگی: جهانی شدن فرآیندی است که در آن مرزهای ملی و سرزمینی تا حدودی کمرنگ می‌شود و به واسطه رسانه‌های ارتباط جمعی، شناخت فرهنگی جوامع از هم بیشتر می‌شود، و نگاه جهان‌شمول در افراد پدید می‌آید. نتیجه چنین امری پذیرش تنوع فرهنگ‌ها و احترام و تساهل نسبت به فرهنگ‌های دیگر است. جهانی شدن ابعاد متفاوت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی دارد و ما در این تحقیق بعد فرهنگی جهانی شدن را مورد سنجش قرار داده‌ایم. برای عملیاتی کردن این متغیر مثلاً سؤالاتی درباره گوش دادن به موسیقی و ترانه‌های سایر کشورها مطرح شد. برای این متغیر از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که تعداد گویه‌های آن ۸ سؤال بود. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای بود، و در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) نمره‌گذاری شد.

علم‌گرایی: یعنی اینکه دانشجویان در دنیای پیرامون خود چقدر مسائل را بر مبنای نگاه صرفاً علمی مورد توجه قرار می‌دهند. برای این متغیر از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که تعداد گویه‌های آن ۵ سؤال درباره نگاه علمی دانشجویان به پدیده‌های متفاوت بود، مثلاً

^۱ Likert

سوالاتی درباره اینکه آیا علم به همه نیازها و دغدغه‌های انسان پاسخ می‌دهد. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای بود و در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) نمره‌گذاری شد. **فردگرایی:** فردگرایی دنیای مدرن یعنی اینکه ارزش اخلاقی بالاتری را به فرد در قبال اجتماع یا جامعه اختصاص می‌دهد. تعداد گویه‌های این متغیر ۸ سؤال بود و در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) طرح‌ریزی شد. پرسشنامه این متغیر محقق ساخته بود.

جدول ۲. نحوه شاخص‌سازی و عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش

شاخص‌های اصلی تحقیق	ابعاد شاخص‌های تحقیق	گویه‌ها
	فردگرایی	در صورت امکان دوست دارم مستقل زندگی کنم. به خودم باور دارم که به اهدافم خواهم رسید. هویت شخصی‌ام برای من خیلی مهم است. فکر می‌کنم در رقابت‌های سالم متعددی که در جامعه برگزار می‌شود، موفق شوم. در بیشتر مواقع نسبت به وقایع و اتفاقات در جامعه احساس مسئولیت نمی‌کنم. هر کس باید به فکر خودش باشد، نه دیگران. بدون دیگران هم می‌توانم به اهدافم برسم. برای رسیدن به موفقیت هر کاری لازم باشد انجام می‌دهم.
عناصر مدرنیته	جهانی شدن فرهنگی	عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی منافع فراوانی برای کشورمان در پی دارد. مسائل ایران مرتبط با مسائل دنیا است. علاقه‌مندم به عضویت انجمن‌های جهانی مدافع محیط زیست و صلح جهانی درآیم. دولتمردان باید زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان را فراهم بیاورند. باید با تبلیغات رسانه‌های غربی مقابله کنیم. مایلم برای موقعیت کاری به کشور دیگر نقل مکان کنم. موسیقی و ترانه‌های سایر کشورها و ملل را گوش می‌کنم. فیلم‌های هالیوودی و غربی تضادی با ارزش‌های جامعه ما ندارند.
	علم گرایی	نگاه علمی به مسائل را بر همه نگاه‌های دیگر ارجحیت می‌دهم. بدون نگاه علمی به مسائل، پیشرفت و توسعه صورت

گویه‌ها	ابعاد شاخص‌های تحقیق	شاخص‌های اصلی تحقیق
<p>نمی‌گیرد. علم به همه نیازها و دغدغه‌های انسان پاسخ داده. علم بهتر [بیشتر] از دین برای جامعه امروز مفید است. هر چیزی را که به صورت علمی اثبات نشود رد می‌کنم.</p>		
<p>مسائل دینی در جهت‌گیری عملکردهای من تأثیرگذار نیستند. حس می‌کنم در این جهان تک و تنها افتادم و هیچ معنایی برای زندگی نمی‌بینم. اعتقادی به مناسک و آیین‌های مذهبی ندارم و در آنها شرکت نمی‌کنم. نقش خداوند در زندگی فردی برای من مهم نیست. مناسک و آیین‌های دینی به من آرامش نمی‌دهند. من بشخصه به بهشت و جهنم شک دارم. آیین‌های دینی را در بسیاری از مراسم مانند تشییع جنازه و ازدواج، ناکارآمد می‌بینم. نماز و روزه و بسیاری دیگر از مناسک مذهبی را انجام نمی‌دهم.</p>	<p>عرفی شدن ذهنی</p>	
<p>مسائل دینی نباید در حیطه سیاست وارد شوند. دین امری است شخصی و حضور آن در اجتماع و سیاست اشتباه می‌باشد. اعتقاد دارم حضور جهان‌بینی دینی در عرصه سیاست و اجتماع شکست می‌خورد. حکومت‌هایی که دین در آنها نقشی ندارد عملکرد بهتری دارند. حضور دین در عرصه سیاسی و اجتماعی باعث آلوده شدن آن به قدرت می‌شود. ترجیح می‌دهم در جامعه بدون قوانین دینی زندگی کنم. قوانین دینی در سطح اجتماع باعث محدودیت بیشتر برای افراد می‌شوند. جامعه بدون دین هم می‌تواند رشد و پیشرفت کند.</p>	<p>عرفی شدن عینی</p>	<p>عرفی شدن</p>

یافته‌های توصیفی

از مجموع ۳۸۰ دانشجوی تحصیلات تکمیلی، ۶۱/۵ درصد را مردان و ۳۸/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۸۷/۶ درصد از پاسخگویان در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۲/۴ درصد در مقطع دکتری در حال تحصیل بودند. ۵۰/۵ درصد از پاسخگویان در رشته علوم انسانی، ۱۷/۹ درصد از آنها در رشته علوم پایه، و ۳۱/۶ درصد نیز در رشته فنی و مهندسی بودند. از نظر مذهب ۹۳/۴ درصد از پاسخگویان شیعه‌مذهب و ۶/۶ درصد از آنها نیز سنی‌مذهب بودند. همچنین ۷۱/۸ درصد از دانشجویان مجرد و ۲۸/۲ درصد از آنها نیز متأهل بودند. در زمینه درآمد خانواده پاسخگویان، ۳۴/۲ درصد از آنها ماهانه کمتر از پانصد هزار تومان درآمد داشته‌اند، ۲۵/۵ درصد بین پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان، ۱۹/۸ درصد بین یک میلیون تومان تا یک میلیون و پانصد هزار تومان، ۷/۶ درصد بین یک میلیون و پانصد هزار تومان تا دو میلیون تومان، و ۱۲/۹ درصد نیز بیشتر از دو میلیون تومان درآمد داشته‌اند.

جدول ۳. تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق در بین دانشجویان

متغیر	رتبه	فراوانی	درصد فراوانی
عرفی شدن ذهنی	پایین	۱۵۷	۴۱/۴۳
	متوسط	۱۶۹	۴۴/۶۹
	بالا	۵۴	۱۳/۸۸
عرفی شدن عینی	پایین	۱۰۱	۲۶/۵
	متوسط	۱۷۷	۴۶/۷
	بالا	۱۰۲	۲۶/۸
فردگرایی	پایین	۱۱۷	۳۰/۷
	متوسط	۲۲۲	۵۸/۴
	بالا	۴۱	۱۰/۹
جهان‌گرایی	پایین	۳۸	۱۰/۰
	متوسط	۲۲۴	۵۸/۹
	بالا	۱۱۸	۳۱/۱
علم‌گرایی	پایین	۴۰	۱۰/۵
	متوسط	۲۳۷	۶۲/۴
	بالا	۱۰۳	۲۷/۱

جدول ۳ به بررسی وضعیت و تحلیل توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق می‌پردازد. به منظور فهم دقیق‌تر میزان متغیرهای تحقیق در بین دانشجویان، با توجه به تعداد گویه‌های هر متغیر به عنوان مثال از دامنه واقعی حاصل از جمع ۵ گویه که از ۵ (ضعیف‌ترین سطح علم‌گرایی) تا ۲۵ (قوی‌ترین سطح علم‌گرایی) در نوسان بود، استفاده گردید. بدین ترتیب میزان علم‌گرایی دانشجویان به سه دسته پایین (۱۱-۵)، متوسط (۱۸-۱۲) و بالا (۲۵-۱۹) تقسیم گردید. سایر متغیرهای تحقیق نیز به همین شکل بررسی شد.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ۴۱/۳ درصد از دانشجویان رتبه عرفی شدن ذهنی در بین آنها پایین بوده است، ۴۴/۵ درصد در حد متوسط و ۱۳/۸ درصد نیز رتبه عرفی شدن ذهنی در بین آنها بالا بوده است. در زمینه عرفی شدن ساختاری باید بیان داشت که ۲۶/۵ درصد رتبه عرفی شدن ساختاری در بین آنها کم، ۴۶/۷ درصد از پاسخگویان نیز رتبه عرفی شدن ساختاری در بین آنها متوسط و ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان نیز رتبه عرفی شدن ساختاری در بین آنها بالا بوده است. در زمینه فردگرایی نتایج نشان می‌دهد ۳۰/۷ درصد از دانشجویان رتبه فردگرایی در بین آنها پایین، ۵۸/۴ درصد رتبه فردگرایی در بین آنها متوسط و تنها ۱۰/۹ درصد رتبه فردگرایی در بین آنها بالا بوده است. نتایج گویای آن است که ۱۰ درصد از دانشجویان رتبه جهانی شدن فرهنگی در بین آنها پایین بوده، ۵۸/۹ درصد متوسط و ۲۷/۱ درصد نیز رتبه جهانی شدن فرهنگی بالا داشتند. در زمینه متغیر علم‌گرایی نتایج نشان داد که ۱۰/۵ درصد از دانشجویان رتبه علم‌گرایی در بین آنها پایین بود، ۶۲/۴ درصد از متوسط و بیش از ۲۷ درصد نیز رتبه علم‌گرایی بالایی داشتند.

یافته‌های استنباطی:

در این قسمت پژوهش با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون تی و پیرسون^۱ و رگرسیون استفاده می‌شود و فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرند.

جدول ۴. آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین عرفی شدن مردان و زنان

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	DF	Sig
عرفی شدن ذهنی	مرد	۲۳۴	۲۰/۶۸	۷/۶۵	۰/۷۹	۳۷۸	۰/۴۲۷
	زن	۱۴۶	۲۰/۲۷	۸/۱۷			
عرفی شدن عینی	مرد	۲۳۴	۲۴/۲۵	۸/۰۷	-۰/۷۱	۳۷۸	۰/۴۷۷
	زن	۱۴۶	۲۴/۸۷	۸/۰۴			

^۱ Pearson

شاخص کلی عرفی شدن	مرد	۲۳۴	۴۴/۷۷	۱۳/۷۳	-۰/۰۶	۳۷۸	۰/۹۵۰
	زن	۱۴۶	۴۴/۸۷	۱۴/۸۴			

در این فرضیه با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون t استفاده می‌شود. وقتی سطح سنجش متغیر مستقل اسمی و متغیر وابسته فاصله‌ای باشد از این آزمون استفاده می‌کنیم. یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که مردان و زنان در میانگین عرفی شدن ذهنی و عینی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند چون سطح معنی‌داری آنها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین میانگین شاخص کلی عرفی شدن که از ترکیب دو بعد عینی و ذهنی به دست آمد بین مردان و زنان تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد ($Sig = ۰/۹۵۰$).

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین عرفی شدن دانشجویهای مجرد و متأهل

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	DF	Sig
عرفی شدن ذهنی	مجرد	۲۷۳	۲۰/۷۲	۷/۷۴	۱/۱۴	۳۷۸	۰/۲۲۵
	متأهل	۱۰۷	۱۹/۶۸	۸/۰۸			
عرفی شدن عینی	مجرد	۲۷۳	۲۵/۱۸	۸/۰۶	۲/۶۴	۳۷۸	۰/۰۰۸
	متأهل	۱۰۷	۲۲/۷۳	۷/۸۱			
شاخص کلی عرفی شدن	مجرد	۲۷۳	۴۵/۷۶	۱۳/۹۸	۲/۰۵	۳۷۸	۰/۰۴۱
	متأهل	۱۰۷	۴۲/۳۸	۱۴/۲۷			

در این فرضیه نیز با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون t استفاده می‌شود. وقتی سطح سنجش متغیر مستقل اسمی (وضعیت تأهل) و متغیر وابسته (عرفی شدن) فاصله‌ای باشد از این آزمون استفاده می‌کنیم. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در میانگین عرفی شدن ذهنی افراد مجرد و متأهل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($Sig = ۰/۲۲۵$). همچنین میانگین عرفی شدن عینی افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل می‌باشد ($Sig = ۰/۰۰۸$). میانگین شاخص کلی عرفی شدن که از ترکیب بعد عینی و ذهنی به دست می‌آید نشان داد که افراد مجرد عرفی‌تر از افراد متأهل هستند ($Sig = ۰/۰۴۱$).

جدول ۶. ماتریس همبستگی مرتبه صفر ۱ بین ابعاد متغیرهای مستقل با عرفی شدن و ابعاد آن

1 zero order correlation matrix

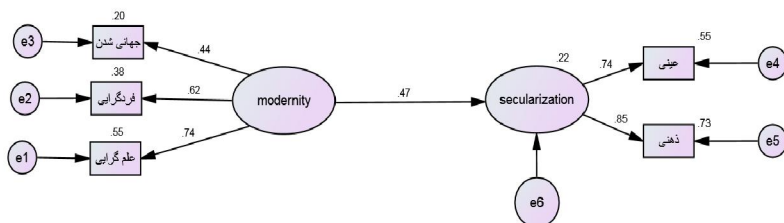
متغیر	جهانی شدن	فردگرایی	علم‌گرایی	عرفی شدن ذهنی	عرفی شدن عینی
فردگرایی	۰/۲۴۱**				
علم‌گرایی	۰/۳۱۱**	۰/۱۷۹**			
عرفی شدن ذهنی	۰/۲۰۱**	-/۰۳۱	۰/۳۰۸**		
عرفی شدن عینی	۰/۳۷۱**	۰/۱۷۷**	۰/۳۴۰**	۰/۵۶۵**	
شاخص کلی عرفی شدن	۰/۱۳۳**	۰/۰۸۸	۰/۳۷۵**	۰/۸۸۱**	۰/۸۸۸**

** معناداری در سطح ۹۹ درصد

وقتی متغیرهای مستقل و وابسته هر دو فاصله‌ای باشند از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به اینکه متغیرهای مستقل و وابسته هر دو فاصله‌ای می‌باشند لذا از آزمون پیرسون استفاده شد. یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که بین جهانی شدن فرهنگی و عرفی شدن ذهنی و عینی و همچنین شاخص کلی عرفی شدن که از ترکیب دو بعد به دست می‌آید در بین دانشجویان رابطه معنی‌دار وجود دارد یعنی هرچه میزان جهان‌گرایی فرهنگی دانشجویان بیشتر شود، عرفی شدن ذهنی و عینی نیز در بین آنها بیشتر خواهد شد. بین فردگرایی و عرفی شدن عینی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد یعنی هرچه میزان فردگرایی دانشجویان بیشتر شود، عرفی شدن آنها نیز بیشتر می‌شود. بین فردگرایی و عرفی شدن ذهنی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. نتایج جدول نشان می‌دهد که بین علم‌گرایی دانشجویان و عرفی شدن ذهنی و عینی و شاخص کلی عرفی شدن رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یعنی هرچه علم‌گرایی دانشجویان بیشتر شود نگاه آنها عرفی‌تر می‌شود.

به منظور بررسی مدل علی تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر عرفی شدن دانشجویان از الگوسازی معادلات ساختاری^۱ استفاده شد. نتایج تحلیل معادلات ساختاری در شکل ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که در مبانی نظری نشان داده شد، مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون عرفی شدن، عرفی شدن ذهنی و عرفی شدن عینی بوده‌اند. ضمن اینکه مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون مدرنیته، فردگرایی و جهانی شدن و علم‌گرایی بود. همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، میزان تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر عرفی شدن دانشجویان ۰/۴۷ است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم و مثبت این دو متغیر است، یعنی افزایش مؤلفه‌های مدرنیته باعث افزایش عرفی شدن در دو بعد ذهنی و عینی در بین دانشجویان شده است.

^۱ structural equation modeling (SEM)



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر عرفی شدن دانشجویان

شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که مدل از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است. به منظور بررسی برازش مدل پیشنهادی چند شاخص مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که مربع کای از حجم نمونه تأثیر می‌پذیرد از شاخص مربع کای نسبی (تقسیم مربع کای بر درجه آزادی) استفاده شد. شاخص مربع کای نسبی برابر $1/84$ به دست آمد که مطلوب به حساب می‌آید. شاخص دیگری به نام شاخص نیکویی برازش نیز محاسبه شد. دامنه تغییرات شاخص مذکور بین صفر و یک است، هرچه مقدار محاسبه شده به عدد یک نزدیک‌تر باشد، بیانگر برازش بهتر مدل است. همچنین در مدل حاضر، شاخص نیکویی برازش^۱ برابر با $0/951$ به دست آمد.

^۱ goodness of fit index (GFI)

۷. نحوه شاخص‌سازی و عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش

گروه‌بندی شاخص‌ها	نام شاخص	اختصار	مدل	برازش
شاخص‌های برازش مطلق	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۳۷	GFI < ۰/۹۰
	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده ^۱	AGFI	۰/۹۲۶	AGFI < ۰/۹۰
	شاخص برازش هنجار شده ^۲	NFI	۰/۹۰۱	NFI < ۰/۹۰
	شاخص برازش تطبیقی ^۳	CFI	۰/۹۴۷	CFI < ۰/۹۰
	شاخص برازش افزایشی ^۴	IFI	۰/۹۱۱	IFI < ۰/۹۰
شاخص‌های برازش مقتصد	شاخص برازش مقتصد هنجار شده ^۵	PNFI	۰/۶۲۳	بالاتر از ۵۰ صدم
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد ^۶	RMSEA	۰/۰۵۳	RMSEA < ۰/۰۸
	کای اسکور پهن‌کار شده به درجه آزادی	CMIN/DF	۲/۱۳	مقدار کمتر از ۳

همچنین، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریباً باید کمتر از ۰/۱ (در برخی منابع کمتر از ۰/۰۸) باشد، که در مدل ارائه شده برابر ۰/۰۵۳ است. میزان شاخص‌های CFI و NFI و IFI نیز، باید بیشتر از ۰/۹ باشد، که در مدل مورد بررسی این مقادیر همه بالاتر از ۰/۹ است. با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌های به دست آمده می‌توان گفت که مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

ایران کشوری است که در آن دین سابقه طولانی در زندگی افراد و نهادهای اجتماعی داشته به صورتی که بسیاری از کنش‌های فرد ایرانی وابسته به دین است. علاوه بر این ساختار سیاسی و اجتماعی سعی دارد کنش‌های افراد را بر مبنای گزاره‌های دینی مورد ارزیابی قرار دهد. ولی مدرنیته و مؤلفه‌های آن مانند عرفی شدن باعث تغییرات و نگرش‌های جدیدی در

^۱ adjusted goodness of fit index (AGFI)

^۲ normed fit index (NFI)

^۳ comparative fit index (CFI)

^۴ increase fit index (IFI)

^۵ parsimony normed fit index (PNFI)

^۶ root mean square error of approximation (RMSEA)

بین برخی از اقشار جامعه شد که در آن دین دیگر محل ارزیابی رفتارهای کنش‌گران نیست. این تحقیق به روش پیمایش به منظور بررسی تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته در ابعاد عرفی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه یزد بود.

نتایجی که از این تحقیق به دست آمد نشان می‌دهد که رتبه بعد ذهنی عرفی شدن در بین دانشجویان در سطح متوسط می‌باشد. در واقع می‌توان گفت میزان بینش‌های دینی دانشجویان در سطح بالایی است و عرفی شدن در سطح ذهنی و بینشی دانشجویان رسوخ نکرده است. میانگین بعد عینی (ساختاری) عرفی شدن به نسبت بعد ذهنی در بین دانشجویان بالاتر بوده است و بیش از ۲۶ درصد از دانشجویان میانگین عرفی شدن عینی را زیاد پاسخ دادند. این یافته با نتایج تحقیق پویافر و داوری مقدم (۱۳۹۴) هم‌سو است. نظریات جامعه‌شناسان نیز تأکید دارند که عرفی شدن در جوامع جهان سوم به مانند جوامع غربی اتفاق نمی‌افتد چون هنوز سنت و دین پایگاه خود را در بین مردم حفظ کرده است. هرچند برخی از مدعیات در زمینه گسترش فرآیند عینی عرفی شدن با نتایج تحقیق هم‌سو بوده است، ولی به معنای این نیست که همه ابعاد زندگی دانشجویان عرفی شده باشد.

یافته دیگر تحقیق نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین جنسیت دانشجویان و عرفی شدن (ذهنی و عینی) وجود ندارد. نتایج این یافته با نتایج تحقیق افشارکهن و همکاران (۱۳۹۰) و کنعان و همکاران (۲۰۰۴) هم‌سو نیست. باید بیان داشت که چون نمونه این تحقیق دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشند لذا تفاوت نگرشی و جهان‌بینی نسبت به پدیده عرفی شدن بین دو جنس وجود ندارد. به این معنا که با افزایش تحصیلات افراد، به نظر می‌رسد نقش جنسیت به عنوان متغیری اثرگذار بر فرآیند عرفی شدن کم می‌شود. یافته دیگر تحقیق نشان داد که میانگین عرفی شدن افراد مجرد از افراد متأهل بیشتر است. نتایج این یافته با نتایج تحقیق افشارکهن و همکاران (۱۳۹۰) هم‌سو نیست. در تبیین این یافته باید گفت که افراد مجرد بر اساس رویکرد دورکیم پایبندی کمتری نسبت به معیارهای اجتماعی و سنتی دارند و عموماً فردگرایی در بین آنها رواج بیشتری دارد. در مقابل چون افراد متأهل تجربه زندگی اجتماعی را دارند بیشتر نسبت به سنت‌ها و قواعد دینی هم‌نوایی نشان می‌دهند و طبیعی است که میزان عرفی شدن در بین آنها از افراد مجرد کمتر باشد.

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که فردگرایی هم با عرفی شدن ذهنی و ساختاری و هم با شاخص کلی عرفی شدن که از ترکیب دو بعد (ذهنی و عینی) به دست می‌آید رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. نتایج این یافته با نتایج تحقیق هاشمیان‌فر و هاشمی (۱۳۹۲) هم‌سو می‌باشد. طبق چارچوب نظری تحقیق، فردگرایی این ظرفیت را دارد که عقاید

و عملکرد اجتماعی دین را زیر سؤال ببرد و همین امر زمینه را برای بسط عرفی شدن هموارتر سازد. همچنین طبق نظر ویلم^۱ (۱۳۷۷) افزایش فردگرایی از عوامل مؤثر بر فرآیند عرفی شدن محسوب می‌شود، زیرا درصد زیادی از افراد جامعه در اثر رشد فردگرایی تمایل دارند که از کلیسا مستقل شوند و خود به صورت فردی دین خویش را تبیین نمایند.

اندیشمندان جامعه‌شناسی اعتقاد دارند که دینداری همبستگی اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد به صورتی که این افزایش دینداری منجر به کاهش سطح عرفی شدن می‌شود چون در دینداری توجه به ارزش‌ها و منافع جمعی بر منافع فردی ارجحیت دارد و افراد نیازهای خود را بر مبنای نیازهای اجتماع و جمع می‌سنجند و انتخاب می‌کنند. با ظهور فردگرایی مدرن افراد در انتخاب‌های خود رهاتر شدند به صورتی که این انتخاب‌ها در بسیاری از موارد با گزاره‌های دینی که روح جمع‌گرایی را ترویج می‌دهد منافات دارند و این امر خود منجر به افزایش عرفی شدن جوامع خواهد شد.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین جهان‌گرایی فرهنگی و عرفی شدن رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. اندیشمندانی مانند گیدنز اعتقاد دارند که بسط ارزش‌های مدرنیته از جمله باورها و نمادهای عرفی شدن از ویژگی‌های اصلی منطق درونی تعاملات فرهنگی جهانی می‌باشد. تعاملات فرهنگی بین‌المللی، افراد را با گستره‌ای از ارزش‌ها و باورهای گوناگون مواجه می‌سازد و از این رهگذر قطعیت و جزمیت شیوه‌های سنتی تفکر، احساس عمل را در نزد آنها زیر سؤال می‌برد و بازاندیشی افراد را افزایش می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۱).

آنچه تأثیری بلافصل بر روی کنش و نگرش افراد می‌گذارد، تجربیات مستقیمی است که افراد از رهگذر تعاملات روزمره خودشان با دیگران به دست می‌آورند. حال هر چقدر محتوای تعاملات فرهنگی جهانی که عمدتاً به وسیله رسانه‌ها انجام می‌شود، با تجربه افراد در زندگی روزمره نزدیک باشد، بهتر می‌توانند آن را درک کنند و در صورت مفید بودن پذیرا شوند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر افراد در تعاملات مستقیم و تجربیات روزمره‌شان درگیر ساختارهایی باشند که ارزش‌های مدرن را برایشان محسوس و مشهود و مفید جلوه دهد، امکان پذیرش و هضم ارزش‌های عرفی رایج در تعاملات فرهنگی جهانی برایشان بیشتر می‌شود.

در نهایت نتایج به دست آمده نشان داد که بین علم‌گرایی و عرفی شدن و ابعاد آن رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. یکی از اندیشمندان نظریه عرفی شدن استیو بروس^۲ است که تأکید اساسی بر نقش علم‌گرایی در بروز فرایند عرفی شدن کرده است. وی اعتقاد دارد اثرات

^۱ Jean-Paul Willaime

^۲ Steve Bruce

سکولارساز علم ناشی از تعارض ادعاهای معطوف به امور واقع نیستند، بلکه بیشتر حاصل پیامدهای تلویحی نگرش علمی به نظم جهان و چگونگی سیطره بر آن است. بروس ادامه می‌دهد تکثرپذیری پروتستانی باعث شد که سیطره کلیسا بر همه حوزه‌های اندیشه تضعیف شود که نتیجه آن استقلال بیشتر علم بود (بروس، ۱۳۸۷).

همچنین مدل معادلات ساختاری نشان‌دهنده این یافته می‌باشد که چون میزان عرفی شدن ذهنی در رتبه متوسط قرار داشت مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون عرفی شدن دانشجویان، عرفی شدن ذهنی بود.

ضمن اینکه مهم‌ترین معرف سازه مکنون مدرنیته، علم‌گرایی و فردگرایی بودند. همچنین میزان تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر عرفی شدن دانشجویان، ۰/۴۷ بود که نشان‌دهنده رابطه مثبت و مستقیم این دو متغیر است. یعنی افزایش مؤلفه‌های مدرنیته (فردگرایی و علم‌گرایی و جهانی شدن) در بین دانشجویان باعث افزایش عرفی شدن آنها می‌شود.

برای حل مسئله اجتماعی ابتدا نیاز به شناخت آن مسئله می‌باشد. این تحقیق تا حدودی توانست برخی از ابعاد مسئله عرفی شدن را تبیین کند که برای سیاست‌گذاران اجتماعی بسیار حیاتی است. به طور کلی نتایج این تحقیق نشان داد که فرآیند عرفی شدن اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و هر کشوری با توجه به بافت و زمینه فرهنگی و اجتماعی خود برخی عناصر این پدیده را در درون خود هضم می‌کند. همچنین دانشگاه یکی از نهادهای مهم در فرایند مدرنیته محسوب می‌شود. یکی از مؤلفه‌های مهم مدرنیته علم‌گرایی است که نهاد دانشگاه حامل این بخش از مدرنیته می‌باشد. دانشجویان در نسبتی که با علم دارند، به صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر جریان مدرنیته قرار می‌گیرند و هم رفتار و هم نگرش آنها ابعاد عرفی‌گرایانه پیدا می‌کند. با عرفی شدن همچنین عناصر مدرنیته به عنوان موتور و محرک عرفی شدن با تأثیرگذاری بر نگرش و تفکر جوانان و دانشجویان زمینه مناسب را برای رشد و گسترش عرفی شدن مهیا کرده است.

منابع

- اسپنسر، هربرت (و دیگران) (۱۳۸۱) *جامعه سنتی و جامعه مدرن: مدرنیته، مفاهیم انتقادی، ویراستار مالکوم واترز، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات نقش جهان.*
- افشارکهن، جواد (۱۳۸۳) *بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجدیدطلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران: انتشارات آوای نور.*

- افشارکهن، جواد؛ بلالی، اسماعیل؛ سلیمان‌پور، محمدعلی (۱۳۹۰) "بررسی وضعیت عرفی شدن دانشجویان و برخی عوامل مؤثر بر آن (در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بوعلی سینا)"، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، پیاپی ۴۱، شماره ۱، ۱۵۸-۱۳۵.
- برگر، پیتر ال. (و دیگران) (۱۳۷۷) *افول سکولاریزم: دین خیزش‌گر و سیاست جهانی*، ترجمه افشار امیری، تهران: نشر پنگان.
- بروس، استیو (۱۳۸۷) *مدل سکولار شدن غرب*، مترجم محمدمسعود سعیدی، تهران، گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰) *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: گام نو.
- بهشتی، سیدصمد؛ قاسمی، وحید (۱۳۹۲) "تبیین تجربی نظریه‌های عرفی شدن در ایران"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱، ۶۱-۹۱.
- پویافر، محمدرضا؛ داوری مقدم، سعیده (۱۳۹۴) "بررسی رابطه میان گرایش به سبک زندگی مدرن و عرفی شدن؛ مطالعه تجربی در ایران پس از انقلاب اسلامی"، فصلنامه ژرفا پژوه، ۴(۵): ۲۹-۵۱.
- پویافر، محمدرضا؛ نوابخش، مهرداد (۱۳۸۹) "بررسی نشانه‌های عرفی شدن برای مطالعه تجربی در ایران"، مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۲)، ۸-۳۰.
- پیپا، نوریس؛ اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۷). *مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان: کند و کاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- تامسون، کنت (و دیگران) (۱۳۸۱) *دین و ساختار اجتماعی*، ترجمه علی بهرام‌پور و حسن محدثی، تهران: کویر.
- ترنر، برایان اس. (۱۳۸۷) *وبر و اسلام: با پانوشته‌های انتقادی و مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمه حسین بستان، علی سلیمی، عبدالرضا علیزاده، با همکاری مهدی صفار دستگردی، و دیگران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسن‌زاده، مهدی؛ علمی، قربان (۱۳۸۶) "منشأ دین از دیدگاه پیتر برگر"، ادیان و عرفان (مقالات و بررسی‌ها)، دفتر ۸۳: ۶۷-۸۶.
- زارع، مریم (۱۳۸۴). *بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، راهنمای پایان‌نامه تقی آزاد ارمکی، مشاور علمی هوشنگ نایی، دانشگاه تهران*.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳) "نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن"، نمایه پژوهش، شماره ۹-۱۰، ۱۰۵-۱۲۰.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۰) *عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی*، تهران: انتشاراتی مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۵) "مسیرهای محتمل عرفی شدن در ایران"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳، ۳۰-۶۵.

شجاعی زند، علیرضا؛ طالبان، محمدرضا؛ صنعتی شرقی، نادر (۱۳۸۹) "بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگی و عرفی شدن فردی با تأکید بر نقش عوامل زمینه‌ای (مطالعه بین‌ملتی)"، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱: ۱۳۴-۱۶۰.

شرودر، رالف (۱۳۸۷) "افسون‌زدایی و ناخوشایندی‌های آن"، در: دنیوی شدن در بوتۀ نقد، گردآوری و ترجمه محمدرضا زمردی، رشت: انتشارات حق‌شناس.

طالبان، محمدرضا؛ رفیعی بهابادی، مهدی (۱۳۹۶) "تحلیلی بولی و کلان‌نگر از عرفی شدن در ایران"، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴ (۱۰)، ۹-۳۲.

قاسمی، وحید؛ وحید، فریدون؛ ربانی، رسول؛ ذاکری، زهرا (۱۳۸۹) "شناخت تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان"، جامعه‌شناسی کاربردی، پیاپی ۳۷، شماره اول، ۴۳-۶۸.

کیویستو، پیتر (۱۳۸۰) *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، مترجم ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

ویلیم، ژان پل (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نقد و بررسی محمدتقی جعفری. تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان.

هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ و هاشمی، مولود (۱۳۹۲) "بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان (با تأکید بر نظریه عرفی شدن)"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، پیاپی ۴۹، شماره اول، ۱۷۶-۱۵۳.

هلد، دیوید (۱۳۶۹) *مدل‌های دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر روشنگران. همیلتون، ملکلم (۱۳۸۷) *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان. یزدانی‌مقدم، احمدرضا (۱۳۸۴) "سکولاریسم و سکولاریزاسیون"، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۳.

Anderson, Karen (2010) "Irish Secularization and Religious Identities: Evidence of an Emerging New Catholic Habitus". *Social Compass*. 57(10). 15-39.

Berger, Peter L. (1967) *The Sacred Canopy: The Elements of a Sociological Theory of Religion*. Garden City: Doubleday.

Cnaan, Ram A; Richard J. Gelles; Jill W. Sinha (2004) "Youth and Religion: The Gameboy Generation Goes to "Church"", *Social Indicators Research*, 175-200.

Cukur, Cem Safak; Guzman, Maria Rosario de; Carlo, Gustavo (2004) "Religiosity, Values, and Horizontal and Vertical Individualism-Collectivism: A Study of Turkey, the United States, and the Philippines", *The Journal of Social Psychology*, 144(6), 613-634.

Ecklund, Elaine Howard; Park, Jerry Z.; Veliz, Phil Todd (2008) "Secularization and Religion Change among Elite Scientists: A cross-cohort comparison", *Social Forces*, V. 86, No. 4. 1805-1839

- Featherstone, Richard; Sorrell, Katie L. (2007) "Sociology Dismissing Religion? The Presentation of Religious Change in Introductory Sociology Textbooks", *The American Sociologist*, Vol.38, No.3:78–98.
- Hobhouse P. (2005) *Historia ogrodów*. [The story of gardening]. Arkady, ISBN 83-213-4375-9, Warszawa, Poland.
- Wolf, Christof (2008) "How Secularized is Germany? Cohort and Comparative Perspectives". *Social Compass*. 55 (2). 111-126.